

تغییرات کالبدی - فضایی شهر سنندج در بستر زمان

کیومرث حبیبی

عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه کردستان

دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران

۱- تکوین تاریخی شهر سنندج

درک تاریخ و دریافت فرایند تحول تاریخی شهر و ادراک عوامل تأثیرگذار در آن سبب می‌شود تا شهر که تاکنون در هر مقطع تاریخی منطبق بر زمان خویش بوده و با استفاده از نحوه تفکر و دستاوردهای فنی عصر به خود تحول بخشیده، با حفظ تداوم تاریخی، خود را بر زمان منطبق سازد. شناخت تاریخ هر پدیده‌ای سنگ زیربنای شناخت وضع موجود آن است و درک درست از شرایط موجود، تخمین دگرگونی‌های بعدی پدیده را ممکن می‌سازد.^۱

شهر در بستر تاریخی خود، در وضعیت معینی متولد می‌شود و در شرایط خاصی به زندگی خود ادامه می‌دهد و رشد می‌کند و تغییرات معینی را می‌پذیرد، مورد حمله و غارت قرار می‌گیرد و در نتیجه، شکل دفاعی به خود می‌گیرد. در اوضاع و احوال رشد اقتصادی توسعه می‌یابد و در موقعیت رکود، خرابی و مرگ را تجربه می‌کند. در این فرایندها بسیاری از شهرها خراب و دوباره ساخته می‌شوند و بسیاری از بناهای آن به‌دست مهاجمان قدرتمند تخریب و گاهی به‌دست همان



مهاجمان نوسازی می‌شود، گاهی شهرها در وضعیتی قرار می‌گیرند که ساکنانش آنها را ترک می‌کنند.^۲ اگرچه سکونت کرد در منطقه کردستان تاریخ چند هزار ساله دارد با وجود این شهر سنندج که در آغاز روستایی با حدود ۶۶ نفر جمعیت در غالب یازده خانوار بود در سال ۱۰۴۶ق و در دوران سلطنت شاه صفی به‌عنوان مرکز ولایت سنه انتخاب شد و طی ۳۶۳ سال از حالت یک قلعه نظامی به وسعت امروزی رسیده است.^۳

سنندج در ابتدا سینه دژ یا سنه دژ بوده است چرا که در داخل شهر تپه‌ای قرار داشته که به‌صورت یک دژ مستحکم که هنوز بقایای آن وجود دارد و در پایین دست آن روستایی به‌نام سینه بوده و به هنگام شهر شدن و قرار گرفتن حکومت والی به سنه دژ شهرت یافته است و بعدها به سنندج تغییر نام یافت.^۴

۱-۱- سرزمین سنندج در دوره مادها

از آنجایی که تاریخچه سنندج و منطقه‌ای که سنندج در آن واقع شده است به دوران حکومت مادها برمی‌گردد لذا برای درک دقیق‌تر به مواردی اشاره می‌شود. سرزمین ماد سرزمینی تاریخی، در عهد باستان با موقعیتی وسیع و گسترده از سمت شمال به رود ارس و قله‌های البرز (در جنوب دریای خزر) و از مشرق به صحرای شوره‌زار دشت کویر و از مغرب و جنوب به سلسله جبال زاگرس محدود است.^۵

به‌طور کلی سرزمین ماد، برحسب موقعیت جغرافیایی و تاریخ به سه بخش تقسیم می‌شده

که عبارت‌اند از:

الف- ماد آتروپاتن؛ ب- ماد سفلی؛ ج- پارتاکنا؛ که شهر سنندج در حوزه ماد آتروپاتن قرار می‌گرفت. این حوزه ماد آتروپاتن به هشت ناحیه تقسیم شده که شهر سنندج در میان ناحیه پنج و شش یعنی بخش علیای رود زاب کوچک و دره علیای رود دیاله قرار می‌گرفت.^۶

۱-۱-۱- بخش علیای رود زاب کوچک

سرزمین‌های واقع در جنوب شرقی نواحی سه و چهار آن سوی سلسله جبال افقی، بیشتر به آشور و بابل گرایش داشتند. ایالت زاموا یا لولو از لحاظ جغرافیایی با آشور سخت مربوط بوده و سراسر اراضی که از دریاچه ارومیه تا بخشهای علیای رود دیاله ممتد بوده (ناحیه شهرهای کنونی

میان‌دوآب، بانه، زهاب، سنندج) به معنی بسیط بدین نام مرسوم بوده و به‌طور محدود زاموا نامیده می‌شد.^۷

۲-۱-۱- بخش علیای رود دیاله

بخش علیای رود دیاله و شاخه‌ها و شعب کوچک آن (در مثلث شهرهای کنونی سلیمانیه، زهاب و سنندج) که از اواسط قرن نهم قبل از میلاد ناحیه مزبور پارسوا نامیده می‌شده است. در این بخش، دره شهر زور، نزدیکی سلیمانیه از نقاط دیگر، پرجمعیت‌تر و حاصلخیزتر است. راه نسبتاً سهل‌العبوری که گذرگاهی به‌سوی شرق بوده و از طرف غرب راه رسیدن به سرزمین ماد (اکنون راههای کاروانی بانه، سنندج، همدان و سلیمانیه، زهاب، کرمانشاه، همدان است) را می‌گشوده است.^۸

۲-۱- شهر سنندج از ابتدا تا ۱۲۰۰ هجری شمسی

سنه یا سنه دژ از شهرهای کهن و مقدس در ارتباط با آئین مهر و زرتشت در این بخش از ایران و سرزمین کردستان است. ارتباط این شهر و نواحی مجاور آن با اساطیر پهلوانی آریایی از اهمیت و قدمت این شهر حکایت می‌کند مکان این شهر به روی تپه بزرگی بر کنار رودخانه قشلاق به نام پیالگه توش نوذر بوده است. موقعیت جغرافیایی آن به‌عنوان محلی مطمئن و قابل دفاع است.^۹

سنندج که در ابتدا قلعه‌ای با روستایی در پایین دست خود بوده است، بعد از انتقال مقر حکومتی از روستای حسن‌آباد در جنوب سنندج کنونی، مقر حکومت والی کردستان شد و سلیمان‌خان اردلان در تاریخ ۱۰۴۶ق آن را آباد ساخت به‌هنگام ساخت و تأسیس حکومت والی‌نشین کردستان در سنندج و عمران و آبادی آن، به‌عنوان سند و تاریخچه، مکتوبی به رشته تحریر درآورد که کلمه غمها^{۱۰} را ماده تاریخی شهر سنندج انتخاب کرد که مردوخ اتخاذ این‌گونه کلمات را برای تاریخ بنایا و ولادت یا امور خیریه خارج از عقل و عرفان می‌داند.^{۱۱}

شهر سنندج را براساس اطلاعات موجود و مکتوب در سال ۱۰۴۶ق در زمان سلطنت شاه صفی سلیمان‌خان اردلان، والی کردستان، با انگیزه نظامی و مرکزیت سیاسی برای سکونت تعداد قلیلی خانوارهای فئودال به ارتفاع بیست متر، که بر اطراف احاطه داشت، در کنار روستای سینه بنا نهاد. این قلعه که اکنون به قلعه فردوسی و باشگاه افسران نیز معروف است در نهایت استحکام با



برج و باروی بلند ساخته شد و در اطراف آن عمارت و حمام، مساجد و اسواق زیاد ایجاد شد و یک رشته قنات در دشت سردنوی (پارگان فعلی) در غرب سنندج برای دارالحکومه، احداث و آب آن را از آنجا به داخل قلعه انتقال دادند.^{۱۲}

نقشه هسته اولیه شهر سنندج نشان می‌دهد که در این دوره، ساختار شهر سنندج سه بخش داشته است:

۱- دارالحکومه، قلعه حکومتی که در مرکز شهر و بر بالای تپه طبیعی که به نقاط اطراف مشرف بود قرار گرفته است.

۲- شارسنجان، محلات مسکونی، بازار و مسجد که در اطراف قلعه حکومتی استقرار پیدا کرده‌اند.

۳- ربض، باغات و اراضی کشاورزی و روستاهای اطراف محدوده مسکونی شهر بخش بیرونی شهر بوده است. ساختار و شکل شهر در این دوره شبیه شهرهای کهن ایران است و الگوی اصلی استقرار آن مطابق ساخت و ساز شهر در دوره صفوی است.^{۱۳} حاکمان مختلف در هر دوره‌ای به ساخت و احداث بناهایی چون پل شیخ، پل قشلاق، عمارت خسروآباد، خانه سالار سعید، موزه سنندج پیر عمر، منزل آصف، مسجد هاجره خاتون، مسجد دارالحسان و قلعه پلنگان همت گماشته‌اند.^{۱۴} در ۱۳۶۴م تاورنیه سیاح غربی از سنندج عبور کرده و آنجا را سرزمینی بی‌راه خوانده است و در ۱۸۰۰ نیز ملکم انگلیسی از منطقه عبور و راههای منطقه را بسیار دشوار و غیرعادی خوانده است و از دره‌های پر از بلوط در سمت غرب سنندج، که جایگاه ایالات پراکنده بود، نام برده و می‌نویسد آبادی و ساختمان به‌ندرت دیده می‌شود و سنندج که آبادی عمده اردلان محسوب می‌شود شهری کوچک و فریبنده و مملو از باغهای میوه بود و وسط این محل در بالای تپه مرتفعی قصر مجلل و مهمی واقع بود.^{۱۵}

در این دوران، با توجه به درگیری‌ها و اختلافات مذهبی بین دولت صفوی و عثمانی منطقه کردستان مورد بی‌توجهی دولت مرکزی ایران قرار گرفت و همین موضوع باعث شد که دولت عثمانی فعالیتهای عمرانی خاصی را در منطقه به انجام برساند و از این عامل برای توسعه نفوذ خود در منطقه استفاده نماید، به‌طوری که در این دوره مسجد و مدرسه‌ای بسیار عالی در جنب

دارالحکومه بنا کرد که دو مناره رفیع داشت و قریب یکصد سال در نهایت استحکام باقی مانده بود، تا اینکه در ۱۱۶۴ش با توجه به سرپیچی حاکم کردستان از کریم خان زند، شهر مورد تهاجم قرار می‌گیرد و ویران و به آتش کشیده می‌شود.^{۱۶}

خانیکف (۱۸۲۱م)، دمرگان (۱۸۸۹م)، زیج (۱۸۲۰م)، نیگین (۱۸۱۵م) هر کدام از منطقه عبور کرده و توصیفات را نگاشته‌اند.^{۱۷}

۳-۱- سنندج از ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ هجری شمسی

قدیمی‌ترین نقشه‌ای که از سنندج موجود است به زبان روسی و در سال ۱۸۵۱م یک افسر روسی تهیه کرده است که به سه کاروانسرا و دروازه‌های آقارحیم، ابوالعظیم و دره، اشاره و به بناهای عمده داخل و خارج شهر توجه کرده که والی نشین کردستان، سنندج را به سه بخش، شهر، قلعه کالاخان، نارین قلعه تقسیم نموده است.^{۱۸}

در سالهای ۱۰۲۵ تا ۱۲۰۰ش یعنی دوران صفویه و زندیه، سنندج تحت حکومت خاندان اردلان بود و به دلیل اختلافات قومی و قبیله‌ای رشد قابل توجهی نداشت که علت این امر را می‌توان ویران و به آتش کشیده شدن شهر در زمان کریم خان دانست اما آقامحمدخان با تشکیل حکومت قاجاریه به پاس خدمات و حمایت حکام کردستان از او به شهر سنندج توجه کرد.^{۱۹}

در این دوره، که مصادف با حکمرانی امان... خان والی بود، اقدامات زیادی برای عمران و آبادانی شهر صورت گرفت. عناصر اصلی شهر مجدداً بازسازی و احداث شد و ساختار شهر به تبعیت از شهرسازی دوره صفویه احیا و عناصر کالبدی شهر همچون مسجد جامع، بازار، مراکز محلات، محورهای اصلی ارتباط محلات به مرکز شهر شکل گرفت و به منظور محافظت از قلعه حکومتی که سرای بعضی از بزرگان در آن بود دیواری به گرد آن کشیده شد که چهار دروازه به اسامی دروازه قلعه چوارلان (رو به مغرب)، دروازه تیوله (رو به شمال)، دروازه عبدالعظیم (رو به قبله) و دروازه آقارحیم (بازار- رو به مشرق) داشت.^{۲۰} محلات شهری در این دوره عبارت بودند از میان قلعه، قطارچیان، که عمارت وکلای کردستان همیشه در آنجا بوده است، محله جورآباد، که جزء محلات فقیر و حاشیه‌نشین شهر بوده، و محله بازار (آقا زمان) که سکونتگاه تجار و سایر اصناف و اقلیتهای مذهبی شهر بوده است.^{۲۱}



در این دوره، به غیر از چهار محله اصلی شهر، محلات دیگری نیز در دل شهر وجود داشت که در چارچوب همین محلات قرار گرفته بودند. شهر سنندج در این دوران از رشد و شکوفایی خاصی برخوردار گشت. ساختار اصلی شهر در این دوره براساس و استناد به نقشه‌ای که نقشه‌برداران روسی تهیه کردند در ۱۸۵۱م (۱۲۳۰) عبارت بود از:

۱- قلعه حکومتی که در مرکزیت هندسی شهر با دیواری که به گرد آن کشیده شده قرار گرفته است، داخل این قلعه عناصری همچون قلعه خان احمد، نارین قلعه، میدان والی، زیارتگاه، پیر عمر، عمارت ساق وردی‌خان و مسجد موجود بوده است.

۲- محله مسکونی شهر که در اطراف دیوار قلعه استقرار پیدا کرده‌اند و هرکدام عناصری همچون مسجد، عمارت عالیه خوانین، بازارچه و حمام داشته‌اند.

۳- باغات، مزارع، روستاها و ارتفاعات اطراف محدود، مسکونی شهر شامل باغ خسروآباد، گلستان، روستای دگران، توش نوزر و ارتفاعات کوچک رش و آیدر بودند. در این دوره، بخش مرکزی شهر شامل بازارها، قلعه و میدانهای والی، میدان علاف‌خان، کلیسا بود که در هر کدام بازاری به همان نام وجود داشت.^{۲۲}

۴- ۱- تغییرات فضایی - کالبدی شهر سنندج از ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ش

با تغییر حکومت قاجار و آغاز حکومت پهلوی و روی کار آمدن رضاخان، تجددگرایی با سرعت زیادی پیگیری شد و برای اولین بار در تاریخ شهرگرایی و شهرنشینی کشور، دولت بر آن می‌شود که چهره و ساختمان شهر را نه بر مبنای تفکر و تحول درونی، بلکه براساس اندیشه و تغییر برون‌دگرگون سازد.^{۲۳} مدرنیسم نوعی تفکر جدید برنامه‌ریزی است که از انقلاب صنعتی و اختراع ماشین نشئت گرفته است. در ایران نیز دولت پهلوی آن را تجربه کرد. بدون آنکه امکان دستیابی به بنیاد این تفکر برنامه‌ریزی را داشته باشد. در نتیجه، با آنکه ساختمان‌های دوران قاجار تخریب شدند و به جای آن بناهای جدیدی ساخته شد، اما ساختمانهای جدید نه از نظر فرم و نه از حیث محتوا ارتباط چندانی با فرهنگ کهن ایرانی نداشتند. برنامه‌ریزان و طراحان آنها، مهندسان فرانسوی و آلمانی بودند و تنها به صورت کاملاً تصنعی از پاره‌ای از فرمهای معماری ساسانی و هخامنشی سرستونها و جزئیات نماها استفاده می‌کردند.^{۲۴}

در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۰۰ش با تأمین امنیت منطقه، سنندج مرکز اداری- سیاسی استان کردستان و مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهر استان مطرح شد. شهر تا پس از رشد معاصرش محدود به محلات قدیمی بود که با باغها و مزارع احاطه می‌شد و از طریق جاده‌ها و گردنه‌های صعب‌العبور با خارج از منطقه پیرامونش در ارتباط بود و به‌جای محصور بودن در دیوارهای مصنوعی حصار و قلعه، به‌صورت طبیعی با کوههای اطراف احاطه شده است. با احداث خیابانهای طبیعی و ارائه عناصر جدید شهری از جمله پادگان، کارخانه، بیمارستان و ادارات در این دوره، تغییراتی در ساخت کالبدی شهر به‌وجود آمد، به‌طوری که خیابانهای انقلاب و فردوسی نظام محله‌بندی شهر را از هم پاشید و ساختار کالبدی- فضایی انسجام و یکپارچگی خود را از دست داد.^{۲۵} در این دوره، سال ۱۳۰۷، بود که در شهر سنندج خیابان‌کشی نظام ارگانیک و محله‌ای را از هم پاشید و بازار شهر سنندج با کشیدن خیابانهای صلیبی به دو بخش تقسیم شد و همین عامل باعث شد به‌تدریج عملکردهای بی‌تناسب با بازار و کالبد آن در فضای دو طرف خیابان شکل بگیرد و به ارزشهای کالبدی (ساختاری) و عملکردی بازار لطمه‌ای اساسی وارد سازد.^{۲۶} سال ۱۳۳۶ دفتر فنی وزارت کشور اولین طرحهای هادی را در پاره‌ای از شهرها تهیه کرد. تهیه‌کنندگان این‌گونه طرحها کنترل شهری، خارجیان و مخصوصاً سپاهیان صلح آمریکا بودند؛ بنابراین مجدداً تفکرات و روشهای خارجیان که بر پایه مدرنیسم استوار بود در شکل شهرهای ایران مورد استفاده قرار گرفت.^{۲۷}

در ادامه روند مدرنیزاسیون و بسط روابط سرمایه‌داری، دولت با اتکا به اصل چهار ترومن برای چند شهر کشور طرح توسعه کالبدی تهیه کرد که سنندج هم یکی از آن شهرها بود. در این طرح، خیابانهای صلاح‌الدین ایوبی عمود بر امتداد خیابان فردوسی، خیابان شهدا به موازات امتداد خیابان فردوسی، خیابان کشاورز و آیدر هم منشعب از میدان آزادی کنونی در جهت جنوب‌غربی پیشنهاد و اجرا شد.^{۲۸}

۵-۱- ساختار فضایی- کالبدی شهر سنندج در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۴۰ش

در این دوره، شهرنشینی و شهرگرایی وارد مرحله جدیدی شد و رشد کالبدی شهر به‌صورت سریع بافت قدیم را دچار تحول و تخریب کرد. تحولات اقتصادی و سیاسی اصلاحات ارضی،



اجرای طرحهای توسعه کالبدی و مهاجرت روستاییان همگی باعث شد شهر سنندج از یک حالت ایستایی شهرنشینی وارد یک مرحله سریع شود به نحوی که در طی این هفده سال رشد و توسعه کالبدی سنندج معادل رشد کالبدی دوره ۳۵۰ ساله تاریخ شهر است و جمعیت آن از حدود پنجاه هزار نفر به ۹۵ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ می‌رسد. اصلاحات ارضی، افزایش درآمدهای نفتی و اجرای پروژه‌های عمرانی نظیر آبرسانی، راه‌سازی، گسترش شبکه‌های آموزشی و بهداشتی اثرات خود را در ساختار کالبدی فضایی شهر نمایان می‌کند. این عوامل موجب هجوم ناگهانی روستاییان به شهر شد و با توجه به اینکه اکثراً از طبقات بی‌بضاعت و محروم روستایی بوده‌اند با ایجاد محلات بدون برنامه و ساختمانهای نامناسب از لحاظ ایمنی و اصول شهرسازی موجبات بروز ناهنجاری‌های فیزیکی در معماری، سیما و کالبد ارگانیک و اندامین شهر شد که به دلیل مشکلات توپوگرافیکی و عوارض زمین، شکل‌گیری این بافت به صورت نامنظم و به تبعیت از شیب زمین بود و تبلور فضایی خود را در شکل محلاتی با کوچه‌های تنگ و شیب‌های تند و معکوس و بافت نامنظم و شعاعی یافت.

به منظور فراهم‌سازی بستری مناسب برای جمعیت مهاجر و رشد طبیعی شهر در ۱۳۵۲ طرح توسعه شهری سنندج بین وزارت آبادانی و مسکن و مشاور مرجان منعقد شد که در تاریخ ۱۳۵۴/۴/۸ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید چرا که در این دوره مهاجران روستایی به دلیل ناآشنایی با محیط شهری، ارزان بودن قیمت زمین و اجاره‌بها و عدم تهیه یک طرح خاص توسعه کالبدی و افزایش حجم جمعیت، اکثراً تپه‌ها و دامنه ارتفاعات حاشیه‌های شمالی و شرق شهر را مورد استفاده قرار دادند. این‌گونه ساخت و سازها علاوه بر مشکلات کالبدی و معماری خود، بر امکانات و تأسیسات شهری که پاسخگوی نیازهای روزافزون آنها نیست فشاری دوچندان وارد کرد. در طرح مرجان بدون در نظر گرفتن ارزشهای فضایی-کالبدی محدوده بافت قدیم تکیه اصلی خود را بر الگوی شطرنجی برای محلات جدید چون شریف‌آباد، خسروآباد، حسن‌آباد، زاندارمیری ... استوار کرد. الگوی شطرنجی، خیابانهای عریضی را به منظور بازدهی هرچه بیشتر بافت برای مانوردهی وسایل نقلیه در اختیار گذاشت و مبنای شکل‌گیری محلات جدید در حاشیه‌های شهر شد. الگوی راست گوشه شبکه معابر این محلات تضاد



کالبدی مشخصی را با بستر طبیعی زمین و الگوی ارگانیک بافت قدیم می‌رساند. محلات جدید، جدا از شبکه معابر دارای ساختمانهایی با اسکلت فلزی و بتن آرمه شده کاملاً بافت قدیم را احاطه و حتی در آن نفوذ کرد. در این دوره، ساختار فضایی- کالبدی شهر سنندج را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱- محلات قدیمی- چون آقا زمان، جورآباد، چهارباغ، قطارچیان ... این محلات در عین داشتن مشکلات حمل و نقل و دسترسی و بافتهای قدیمی از کلیه خدمات شهری چون آب، برق، فاضلاب ... برخوردار بودند و تراکم جمعیت آن در حد بالایی است.

۲- محلات جدید، این محلات براساس طرحهای از پیش اندیشیده شده است و طبق برنامه، توسعه یافته و از الگوی راست گوشه و شبه شطرنجی استفاده می‌کنند. ساخت و سازهای انجام گرفته با مصالح جدید و فلزی و تراکم جمعیتی در حد متوسطی است. بعضی از محلات بر روی شیبهای تند قرار گرفته‌اند اما در امتداد پیوسته شهر هستند، محلاتی چون ژاندارمیری، شریف‌آباد، حسن‌آباد، خسروآباد ... در این زمره است.

۳- محلات خودرو حاشیه‌ای- این محلات کاملاً در اختیار مهاجران روستایی و افراد بی‌بضاعت بوده است و اولین هسته‌های شکل‌گیری محلات حاشیه‌نشین شهر سنندج را به وجود می‌آورد. هیچ‌گونه تأسیسات و تجهیزات شهری ندارد و برای دیگر افراد روستایی مرکز جذبی است. ساخت و سازهای انجام گرفته در این محلات ترکیبی از مصالح قدیمی و سستی چون گل و خشت و چوب و بتن آرمه و آهن ... است، محلاتی چون عباس‌آباد، تققان، کانی کوزله، فرجه، حاجی‌آباد ... اولین هسته‌های خود را در این دوره بر روی تپه‌ها و شیبهای تند و معکوس بنیان گذاشته‌اند. در این دوره، شهر سنندج همچنان بر الگوی تک‌مرکزی خود در محدوده میدان انقلاب متکی بوده و بازار به‌عنوان ستون فقرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقابل حضور قوی خیابان و انتقال بخش عمده‌ای از فعالیتهای اقتصادی به کناره‌های آن در خیابان‌های سیروس، انقلاب، فردوسی، شاهپور (طالقانی جدید) به تدریج از توسعه کالبدی خود باز مانده است و با شکل‌گیری عملکردهای ناسازگار در پیرامون آن فعالیتهای حیاتی‌اش تضعیف می‌گردد، در واقع در این دوره ساختار کالبدی- فضایی شهر ترکیبی شده از یک سری محله‌های قدیمی برخوردار از



خدمات شهری و یک سری محلات جدید در حال توسعه. بافت قدیمی به‌عنوان حافظ هویت کالبدی شهر هنوز با راسته‌ها و کوچه‌ها و میدان‌ها و فعالیت‌های شهری از تحرک و پویایی برخوردار است.^{۲۹}

۶-۱- ساختار فضایی- کالبدی شهر سنندج در سالهای ۱۳۵۷ش تاکنون

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شهرنشینی و شهرگرایی کشور وارد مرحله جدیدی از رشد شتابان و فزاینده خود شد. به‌طوری که از یک طرف شهر با دگرگونی مفاهیم و عملکردها مواجه گردید و از طرف دیگر، با بی‌برنامگی و برچیدن محدودیتها، به همراه شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و درگیری‌های منطقه‌ای باعث شد که مهاجرت‌های بی‌رویه‌ای از مناطق روستایی و شهرهای اطراف روانه شهر سنندج گردد، تا جایی که شهر سنندج در این دوره، با بیشترین رشد کالبدی خود مواجه شد. این هجوم ناگهانی روستاییان به شهر رشد قارچ‌گونه بافت در جوار روستاهای اطراف شهر و حاشیه خارجی شهر را موجب گردید، که ساختار کالبدی و فرم آنها تابع عوارض زمین است، این محلات، بدون برنامه (پیش‌بینی‌های طرح جامع شهر جوابگوی نیازهای مسکن تازه‌واردان نبود) و با توجه به خاستگاه اولیه مهاجران روستایی اکثراً در ارتفاعات پیرامون شهر ایجاد شدند. ارتفاعات و عوارض، که می‌توانست به‌عنوان چشم‌اندازهای طبیعی شهر با اندکی ساماندهی مورد استفاده قرار گیرد، تحت ساخت و ساز مهاجران روستایی قرار گرفت و مهاجران نیز، که از طبقات کم درآمد منطقه بودند، در ساخت و سازهای انجام شده الگوی معماری خاصی را رعایت نمودند و سیمای ناهنجاری را به‌وجود آورده‌اند. این بافتها هیچ‌گونه هویت ویژه‌ای و هیچ‌گونه تأسیسات و تجهیزات و خدمات شهری ندارند و تنها نشان‌دهنده مقر افراد ساکن هستند. از لحاظ بافت کالبدی نیز با تبعیت از شیب طبیعی زمین، معابر به‌صورتی شعاعی و در امتداد شیب دامنه‌ها شکل گرفته است.

نوع بافت محلات شکل گرفته ریزدانه، به‌صورت یک طبقه و بسیار کوچک‌اند که با استفاده از وضع توپوگرافی، نورگیری آنها تامین شده است. بدین ترتیب، سیل جمعیت مهاجر روستایی و متعاقباً رشد طبیعی جمعیت شهر باعث شد که قسمت اعظم ساخت و سازهای شهر خارج از محدوده‌های تعیین‌شده طرح جامع شهر، انجام گیرد و توسعه کالبدی شهر مطابق پیش‌بینی‌های



طرح جامع شهر عینیت نیابد، به طوری که در ۱۳۶۴ با توجه به برداشتهایی که مهندسان مشاور فرافزا برای تهیه طرح توسعه و عمران و حوزه نفوذ شهر انجام دادند، رشد کالبدی شهر به دو برابر پیش‌بینی‌های طرح جامع قبلی رسیده است.

از ۱۳۶۴ توسعه فیزیکی شهر به صورت پیوسته و متصل بعد تازه‌ای به خود گرفت. به دنبال رشد شتابان شهر، مسئولان امر درصدد برآمدند که به منظور کنترل و هدایت ساخت و سازهای حاشیه شهر، بسترهای مناسبی در قالب طرح‌های آماده‌سازی و توسعه کالبدی شهر براساس طرحی از پیش اندیشیده شده فراهم کنند. بر این اساس، و با توجه به محدودیت توسعه کالبدی شهر به دلیل احاطه شدن شهر توسط ارتفاعات (قرار گرفتن شهر در جام فضایی) قسمت اعظمی از اراضی بایر کشاورزی و باغات اطراف شهر برای توسعه کالبدی به کار گرفته شد که بخش عمده این بافت به موازات جاده‌های ارتباطی رشد یافته است. بستر طبیعی زمین (پستی و بلندی) آماده‌سازی اراضی را با هزینه‌های گزافی مواجه نموده است. به نحوی که در اغلب آماده‌سازی‌ها (شهرک قرادیان، تکیه چمن و ...) حجم خاکبرداری‌ها درصد بیشتری از اعتبار پروژه را به خود اختصاص داده است. این موضوع وقتی حادث می‌شود که بستر آماده‌سازی، سنگی باشد که در نتیجه تأمین تأسیسات زیرساختی و تجهیزات و خدمات شهری را با مشکلات خاص مواجه می‌کند، بر این اساس، این سه بخش شهر (آماده‌سازی‌ها) نسبت به هسته مرکزی از حداقل تأسیسات زیربنایی و تجهیزات شهری برخوردار است، جز چند خرده‌فروشی در سطح ملی، برای استفاده از سایر تأسیسات و تجهیزات شهری به بخش مرکزی شهر وابسته هستند. از طرف دیگر، بافت قدیم شهر است که با برخورداری از حداکثر خدمات تأسیسات زیربنایی، بدون آنکه طرحی خاص به منظور احیای فضایی- کالبدی آن تهیه و به اجرا درآمده باشد اغلب به عنوان بافتی فرسوده و بلااستفاده قلمداد می‌شده است. این دیدگاه به همراه توسعه‌های نسنجیده پیرامون شهر همواره باعث شده که خیابانهای عریض بر کالبد بافت قدیم شهر دوخته شود و عملاً تخریب بنیان‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن تسریع شود.

بدین ترتیب، شهر سنندج در این دوره مجموعه‌ای است از محلات (محلات بافت قدیم شهر، محلات حاشیه‌نشین شهر و محلاتی که بر طبق طرح مشخصی شکل گرفته‌اند) با الگوی



تک‌هسته‌ای (محدوده میدان انقلاب) و شکل‌گیری محورهای جدید عملکردی (خیابان‌های سیروس، فردوسی، امام‌خمینی، طالقانی و پاسداران) و عناصر جدید شهری (کارگاههای صنعتی، ترمینالها، ادارات، پارکها و ...) بازار به‌رغم آنکه هنوز مرکز فعالیتهای اقتصادی شهر شمرده می‌شود اما توسعه کالبدی آن در مقابل و حضور قوی خیابان برای همیشه رنگ باخته و بخش اعظمی از فعالیتهای اقتصادی خویش، به‌خصوص در زمینه‌اشیای زینتی و کالاهای لوکس را به محورهای جدید شهری منتقل نموده است تا جایی که هم اکنون محور قوی عملکردی جدیدی (محور تجاری- تفریحی، خیابان فردوسی میدان آزادی، خیابان پاسداران) در مقابل بازار شکل گرفته است که در چند سال آینده با تکمیل مراکز تجاری خیابان پاسداران، بازار در تنگنای بیشتری قرار خواهد گرفت.

۷-۱- نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ارائه شد، ساختار فضایی- کالبدی بخش قدیمی شهر سنندج را باید در محورهای چهارگانه متقاطع با بازار جستجو کرد. عناصر اصلی یا تعیین‌کننده شالوده شهر قدیمی سنندج، بازار، محلات مسکونی و قلعه حکومتی است که از این دیدگاه، شهر قدیمی واجد سه بخش عمده از نظر کاربری اراضی بوده است. قلعه حکومتی (کهن‌دژ)، بخش داخلی شهر (شارستان)، بخش بیرونی (ربض). در گذشته، تفکیک حوزه‌های عملکردی در شهر و سلسله مراتب فضایی رعایت می‌شد، به‌نحوی که کاربری اصلی اراضی در قسمت قلعه حکومتی نظامی- حکومتی، اداری و محل سکونت حاکم یا والی به همراه ابواب جمعی وی بوده است. در قسمت بخش داخلی شهر، عملکرد تجاری در بازار متمرکز و فضاهای مذهبی در محدوده مسجد جامع و مساجد اطراف بازار و عملکرد مسکونی در محلات بود که از طریق گذرهای اصلی و فرعی در ارتباط بودند، در بخش بیرونی شهر کاربری اراضی به‌صورت مزارع، باغها و مسکونی بوده است. بدین ترتیب، نظامی عملکردی در شهر حکمفرما بود و شهر قدیمی مجموعه‌ای هماهنگ و منسجم بود که به عملکرد خود ادامه می‌داد. این چارچوب ساختاری تا سال ۱۳۰۰ش دوام آورد، تا اینکه با اولین حرکت‌های جنبش تجددگرایی (روی کار آمدن رضاخان) که در پی تغییر شکل بود نه تغییر محتوا، شالوده فضایی آن از هم گسست و سازمان محله‌ای نیز دچار آسیب جدی شد.



احداث خیابان‌ها و تزریق عملکردهای جدید در شهر، ساختار فضایی- کالبدی شهر را در هم شکست. به دلیل سودآوری زمین و دسترسی سریع سواره در شهر، رشد بخش خدمات موجب گسترش عملکردهای شهری در حاشیه معابر شد و عملاً ساختار گذشته شهر به فراموشی سپرده شد و بدین ترتیب، اقتصاد آزاد و بازار، اراضی شهری و نحوه عمل بساز و بفروشها، تعیین‌کننده نحوه رشد و توسعه شهر شد و طرحهای شهرسازی معاصر نیز در واقع این امر را تسریع کرد و ساخت و سازهای بی‌رویه و حرکت سیال کاربریهای عمومی و شهری در شکل‌گیری صحیح و استخوان‌بندی اصلی شهر تأثیر قابل توجهی نهادند.

از ۱۳۵۷ به بعد با وجود تغییر مفاهیم و ارزشها، به بافت قدیم همچنان بی‌مهری شد و با توجه به اینکه قبل از انقلاب شهر از تحول تاریخی خویش بازمانده بود (انقطاع تاریخی) اقدام خاصی به منظور احیای این تحول به عمل نیامد و شهر قدیم در مقابل سیل جمعیت مهاجر روستایی با سرعت بیشتری مورد تخریب و فرسودگی فضایی- کالبدی عملکردی قرار گرفت. این سیر تحلیل ساختاری وقتی حائز اهمیت می‌شود که در طرف مقابل بافت قدیم، بسترهای توسعه شهری (در حوزه‌های پیرامونی) با الگوهای انتزاعی مهیا و بافت قدیم با وجود برخوردار از کلیه امکانات رفاهی به فراموشی سپرده شود. خیابانها در محدوده بافت قدیم فردوارانه چهره‌های نو را عرضه می‌دارند و این در حالی است که بافت از درون فرسوده و پوک است و به‌رغم پاره‌ای ساخت و سازهای جدید که بی‌تناسب اندامین با بافت شکل گرفته فضاها را مخروبه و متروکه آن دائماً در حال افزایش است.

به‌طور کلی مرفولوژی شهر سنندج و بافت قدیم آن بالاخص به دلیل وضعیت توپوگرافی و طبیعی شهر و از سوی دیگر هجوم بی‌رویه مهاجران و اسکان آنها در حاشیه شهر، ترکیبی از طرحها و نقشه‌های شهرسازی چون شطرنجی، عنکبوتی و شعاعی آشفته است. به عبارت دیگر، از بافتهای جدید بعضی شطرنجی و برخی به دلیل محدودیت زمین و شیب آن شعاعی هستند. مصالح ساختمانی به‌کار رفته در بناهای قدیمی از یکنواختی نسبی برخوردارند و به زیبایی معابر و نمای ساختمانهای محلات قدیمی افزوده و یک نوع هماهنگی به‌وجود آورده است. در



صورتی که در بافت جدید به دلیل رعایت نکردن نظم و تناسبات در ساخت و سازهای جدید در مقایسه با بافت قدیم به بی‌هویتی دچار شده‌اند.

الگوی تک‌مرکزی شهر، همگرایی شبکه ارتباطی در این بخش، بی‌نظمی در سیستم شبکه دسترسی و معابر شهر و عدم سلسله مراتب منطقی، باعث شد که محدوده مرکزی شهر به‌رغم کمی تعداد وسائط نقلیه در سطح شهر حرکت آنها نسبتاً کند و در بخش مرکزی شهر با مشکلاتی همراه شود. از طرف دیگر، حرکت پیاده و سواره شهری نظم خاصی ندارد و با یکدیگر تداخل دارند. این بخش، بالاترین تراکم سواره و پیاده را دارد به نحوی که در طول روز محورهای چهارگانه متقاطع بازار مملو از ترافیک سواره و پیاده است.

بنابراین رشد سریع و بی‌توجهی به امکانات بالقوه شهر، نارسایی و مشکلاتی در سازمان فضایی - کالبدی شهر، از قبیل بی‌نظمی در حرکت سواره و پیاده، عدم انطباق فرم و عملکرد، رشد ناهماهنگ و ناب‌جای فضای خدماتی، عدم وجود فضای سرویس‌دهنده و کمبود فضاهای باز شهری و تراکم روزافزون ابنیه (که به تدریج به شهری بی‌فضا تبدیل می‌شود)، به وجود آورده که مردم در آن هیچ آرامشی ندارند.^{۳۰}

پی‌نوشت‌ها

۱. حبیبی، محسن، *از شار تا شهر*، ص ۲.
۲. مجتهدزاده، غلام‌حسین، *برنامه‌ریزی شهری در ایران*، ص الف.
۳. طرح جامع توسعه و عمران حوزه نفوذ سنندج، ص ۵۲.
۴. مردوخ، محمد، *تاریخ کرد و کردستان*، ص ۴۴.
۵. دیاکونوف، *تاریخ ماد*، ص ۷۹.
۶. همان، ص ۸۶.
۷. همان، ص ۸۷.
۸. همان.
۹. نجفی، یدالله، *تاریخ و جغرافیای کردستان*، ص ۳۷۴.
۱۰. کلمه غمها به معنی غم و ناراحتی است. روایت است به هنگام لشگرکشی کریم‌خان زند و تصرف اراضی کردستان، والی‌نشین که در منطقه بهار فعلی همدان بوده است بعد از شکست، مجبور به ترک این منطقه و مراجعه و



مهاجرت به اراضی اطراف سنندج (قلعه حسن آباد) واقع در روستایی به همین نام شده‌اند و بعد از مدتی به شهر سنندج فعلی نقل مکان کرده‌اند و والی این جدا شدن و نقل و انتقال اجباری را به‌عنوان غمی بزرگ قلمداد کرده و دلیل ساخت شهر را با انگیزه نظامی و در وضعیتی غمناک توصیف کرده است. (گازرانی، ۱۳۷۸، به نقل از مردوخ کردستانی، ص ۶۷).

۱۱. مردوخ، همان، ص ۲۹.
۱۲. همان، ص ۴۸.
۱۳. علیزاده، ۱۳۷۷.
۱۴. نجفی، همان.
۱۵. هامون، مطالعات جامع اقتصادی-اجتماعی استان کردستان، ص ۸۴.
۱۶. سنندجی میرزا شکرالله، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، ص ۲۲.
۱۷. گابریل، به نقل از هامون.
۱۸. مهربار و دیگران، اسناد شهرهای ایران، ص ۳۰۰.
۱۹. سنندجی، همان، ص ۱۲۲.
۲۰. همان، ص ۱۹۰.
۲۱. همان.
۲۲. گازرانی، فریدون، برنامه‌ریزی توسعه متعادل بخش مرکزی شهر سنندج، ص ۷۳.
۲۳. حبیبی، محسن، همان، ص ۱۵۷.
۲۴. مجتهدزاده، همان، ص ۹۶.
۲۵. رسولی، محمد، ساماندهی ساختار فضایی کالبدی ...
۲۶. گازرانی، همان، ص ۷۳.
۲۷. مجتهدزاده، همان، ص ۱۲۹.
۲۸. گازرانی، همان، ص ۷۸.
۲۹. رسولی، همان.
۳۰. پژوهش و عمران، طرح جامع شهر سنندج.

منابع

- پژوهش و عمران، طرح جامع شهر سنندج، ۱۳۸۰ (چاپ نشده).
- حبیبی، کیومرث، بررسی روند و الگوی توسعه فیزیکی شهر سنندج، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- حبیبی، محسن، از شمار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- دیاکونوف، تاریخ ماد، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- رسولی، محمد، ساماندهی ساختار فضایی کالبدی قدیم شهر سنندج بر اساس الگوی فعالیتهای شهری، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- سنندجی، میرزا شکرالله، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۶.



- گازرانی، فریدون؛ برنامه‌ریزی توسعه متعادل بخش مرکزی شهر سنندج، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸.
- مجتهدزاده، غلامحسین، برنامه‌ریزی شهری در ایران، انتظارات پیام نور، ۱۳۷۷
- مردوخ، محمد؛ تاریخ کرد و کردستان، انتشارات غریقی، ۱۳۵۱.
- مشاور فرافزا، طرح جامع شهر سنندج، ۱۳۶۷.
- مهریار و دیگران، اسناد شهرهای ایران، مجموعه مقالات شهرسازی، ۱۳۷۴.
- نجفی، یدالله، تاریخ و جغرافیای کردستان، نشر نی، ۱۳۶۹.
- هامون، مطالعات جامع اقتصادی-اجتماعی استان کردستان، ۱۳۷۴.

